

آیتہ ۶۱

عبرت از عملکرد مردم سال
۶۱ هـ. قمری نسبت به منجی

خیمه چهارم:
جایگاه معنا و فیثا
دریاری منجی

برگرفته از کتاب جان جهان امیر بیان قم

سکوی سعادت ...

انس بن حارث کاهلی، از اصحاب پیامبر ﷺ و یکی از شهدای کربلا. وی در کوفه زندگی می‌کرد، به گفته برخی در مکه و به گفته برخی دیگر شبانه در کربلا به امام پیوست. انس در روز عاشورا همچون دیگر یاران پس از کسب اجازه از محضر آن حضرت در حالی که با بستن شالی بر کمر، قامتش را راست نگه داشته و ابروان سفیدش - که بر اثر کهنسالی بر چشمانش افتاده بود - با پیشانی بند بسته بود، عازم میدان جنگ شد. با مشاهده حالت او اشک حضرت جاری شد و فرمود: خدای از تو قبول کند، ای پیرمرد. (انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۷۵)

شاید این طور گفته باشد که آقا جان همه ی این کارها را انجام دادم که اشک شما را نبینم یا اینکه شما غم به دلتان راه ندهید. این روحیه در اصحاب منجی در تاریخ جریان دارد. سوال اینجا است که چرا انس با آن سابقه ی مجاهدت و اینکه از صحابه بود، باز اینگونه آماده جنگیدن می شود برای یاری منجی خود؟ علت این است که او از معنا برسد به **فینا. مَعْنَا سَکُوبِی اسْتَبْرَأَ لِرَبِّی رَسِیدِن بَه فِینَا.**

سه مقام در مَعْنَا ...

مَعْنَا (شناختی)، در این سطح، فرد امام را می شناسد، نسبت خانوادگی، شخصیت و جایگاه منجی را می داند. اما این شناخت صرفاً در ذهن است و به ایمان، اقدام و همراهی نمی انجامد. مانند عمر سعد؛ او امام حسین علیه السلام را می شناخت، اما نهایتاً فرماندهی سپاه کفر را پذیرفت. **مَعْنَا (قولی)**، اینجا، فرد به زبان ادعای همراهی دارد، حرف از علاقه می زند، اما وقت عمل جامی زند. مانند هرثمه بن سلیم، او خودش از امام علی علیه السلام شنیده بود که امام حسین علیه السلام در کربلا شهید می شود، و وقتی به این سرزمین رسید، یاد آن سخن افتاد. ولی با وجود این، نماند و رفت، و اعلام بی طرفی کرد.

مَعْنَا (عملی)، فرد در صحنه حاضر است، گاهی تا لحظه آخر هم می ماند، اما با بهانه ای و یا استدلالی امام را رها می کند. در واقع همراهی اش فیزیکی است، اما عمق ندارد. مانند ضحاک بن عبدالله مشرقی با امام آمد، جنگید، اما از ابتدا شرط کرده بود که اگر محاصره شدیم، من می روم. و همین کار را هم کرد.

در هر سه قسم مَعْنَا، همراهی و مَعْنَا بودن برای آنها ایستگاه و حجاب شد و از رفتن به مقام بالاتر (فینا) جلوگیری کرده است.

مَعْنَا بَرَزَخ بَیْن بَهْشْت وَ جَهَنَّم

افرادی که مَعْنَا هستند اگر از این سکوی پرش استفاده نکنند و بالاتر نروند باعث انحراف تاریخ و چه بسا به مسلخ رفتن منجی می شود.

سیدالشهداء فرمود: هر کس می خواهد فینا باشد همراه ما بیاید ۱۵۰۰ نفر اعلام همراهی می کنند اما در مسیر مکه تا کربلا از سیدالشهداء علیه السلام جدا شدند. مَعْنَا بودند، اما فینا نشدند و برای منجی سال ۶۱ کاری نکردند. مَعْنَا راهیست برای رسیدن به فینا و همه اهل بیت علیهم السلام بخصوص منجی عالم حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف یارانی در مقام فینا می خواهند.

مَعْنَا یعنی همراه ما، با ما بودن. فینا معنای ظاهری اش این است «در ما»، اما عرب فینا را برای جایی استفاده می کند که بخواهد بنحوی بین معنا و فینا فرق بگذارد. مَعْنَا یعنی همراه ما، کنار ما؛ فینا یعنی از ما، یعنی السَّمَكُ فِی الْبَحْرِ، یعنی خودی بودن؛ حرب به مقام فینا رسید و از بَرَزَخ مَعْنَا نجات پیدا کرد.

راهکار رسیدن به فینا

اینکه قرآن می‌فرماید، مردم، در آفاق یعنی عالم بیرون و در انفس یعنی عالم درون خودتان تفکر و اندیشه کنید، دلیلش این است که **التَّفَكُّرُ يَدْعُو إِلَى الْبِرِّ وَالْعَمَلِ بِهِ (کافی، ج ۲، ص ۵۵)**، اندیشیدن، به نیکی و عمل به آن فرامی‌خواند. تفکر به انسان روحیه عملگرایی می‌دهد؛ **الْفِكْرُ يَهْدِي إِلَى الرَّشَدِ (غرر الحکم و درر الکلم ج ۱ صفحه ۴۳)** کدام خوبی و بر و کدام هدایت و رشد از این بهتر که توبه مقامی بررسی که امام زمانت می‌خواهد و آن مقام فینا شدن است.

طبق روایات بسترهای تفکر زیادند، اما یکی از انواع **تفکر**، که اهل بیت علیهم‌السلام به آن توصیه کرده‌اند **تفکر در تاریخ** است که فوق العاده به انسان کمک می‌کند. «ای فرزند، اگر چه من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، ولی در کارهایشان نگریسته‌ام و در سرگذشتشان اندیشیده‌ام و در آثارشان سیر کرده‌ام، تا آنجا که، گویی خود یکی از آنان شده‌ام». **(نامه ۳۱ نهج البلاغه)**

داستان صیانه ماشطه را بخوانید؛ صیانه از زنانی است که در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رجعت می‌کند. **(طبری، دلائل الامامة، ص ۲۶۰)**